



## مناره عَبد و موقعیت تاریخی آن

داود شوریده

مناره یا مأذنه یا گلدسته در فرهنگ دینی - اسلامی، جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد. این سازه زیبا و چشم‌نواز، اکنون در سراسر کشورهای اسلامی، زینت بخش مساجد و حرم‌های مطهر پیشوایان معصوم علیهم‌السلام و امام‌زادگان و اولیای الهی است و قامت کشیده آن، رهنمون زائران حرم‌های شریف و نمازگزاران می‌گردد. در میان انبوه بی‌شمار مناره‌ها در سراسر سرزمین‌های اسلامی، برخی مناره‌ها به دلایل خاصی، مشهور و ممتازند. یکی از این مناره‌های مشهور، «مناره عَبد» است که به آن، «مأذنه عبد» و «منار مرجان» هم گفته می‌شده و در روزگار خود از مناره‌های مشهور بوده است.

## جایگاه مناره عَبدِ در حائرِ حسینی

صحن و گنبد مطهر امام حسین علیه السلام تا سال ۱۳۵۴ قمری، با سه مناره آن شناخته می‌شد. دو مناره در جلوی ساختمان حرم و یک مناره در انتهای آن. مناره دوم و انتهایی، همان مناره باستانی پایداری بود که بر شکوه حائر مقدس و زیبایی چشم‌انداز آن می‌افزود و در جانب شرقی صحن مطهر و متصل بر دیوار، به فاصله بیست متر از زاویه شمال شرقی ساخته شده و در سمت چپ زواری که به حرم ابوالفضل العباس علیه السلام می‌رفتند، قرار داشت. صاحب کتاب «مجالى الطّف» درباره این مناره سروده است:

بَلَى تَبَقَى فَحَكَمَ الْأَسَاسَ

شَمَالَ مَنْ يَمْضَى إِلَى الْعَبَّاسِ

یعنی: قامت افراشته‌ای که با شالوده استوارش، پایدار است، و در شمال زائری که به سوی (حرم) عباس می‌رود، واقع شده است.<sup>۱</sup>

مناره عَبدِ با قاعده‌ای به قطر بیست متر و ارتفاعی، نزدیک به چهل متر، از تمام مناره‌های اعتبار مقدّس کربلا، نجف، کاظمین و سامراء بزرگ‌تر و استوارتر بوده و به لحاظ ارزش و موقعیت، دومین اثر تاریخی عراق بعد از «ملویه» و مسجد جامع متوکل در سامراء به شمار می‌رفت.

این مناره، با مصالحی از جنس آجر و گچ ساخته شده و با سنگ مرمر و کاشی قدیمی که امروزه در آثار باستانی عراق و ایران بسیار کمیاب است، نمakاری شده بود.

صحن و گنبد مطهر امام حسین علیه السلام تا سال ۱۳۵۴ قمری، با سه مناره آن شناخته می‌شد. دو مناره در جلوی ساختمان حرم و یک مناره در انتهای آن. مناره دوم و انتهایی، همان مناره باستانی پایداری بود که بر شکوه حائر مقدس و زیبایی چشم‌انداز آن می‌افزود و در جانب شرقی صحن مطهر و متصل بر دیوار، به فاصله بیست متر از زاویه شمال شرقی ساخته شده.

مناره عَبدِ با قاعده‌ای به قطر بیست متر و ارتفاعی، نزدیک به چهل متر، از تمام مناره‌های اعتبار مقدّس کربلا، نجف، کاظمین و سامراء بزرگ‌تر و استوارتر بوده و به لحاظ ارزش و موقعیت، دومین اثر تاریخی عراق بعد از «ملویه» و مسجد جامع متوکل در سامراء به شمار می‌رفت.

## تاریخ مناره عبد

با درگذشت شیخ حسن جلایری، سرسلسله جلایریان (۷۴۰-۸۳۵ ق) حکومت و سلطنت به پسرش سلطان اویس رسید. مرکز حکومت جلایریان، شهر تبریز بود و سلطان اویس، غلام خود امین‌الدین بن عبدالله العجایتو، ملقب به «مرجان» که تاریخ «حیب السیر» از او به عنوان «امیر مرجان» یاد کرده است را به فرمانداری عراق منصوب کرد.

امیر مرجان که غلام زرخرید سلطان اویس بود، پرچم سرکشی و مخالفت و استقلال‌طلبی را برافراشت؛ لذا سلطان اویس، سپاه عظیمی را از تبریز گسیل داشت که به محض ورود به بغداد، یاران مرجان را تار و مار کردند.

وقتی مرجان یک‌ه و تنها ماند، به کربلا گریخت و به حرم امام حسین علیه السلام پناهنده شد و مناره استوار و مشهور «عبد» را با مسجد جامع متصل به آن بنا کرد که به نام او شهرت یافت و تمام دارایی و املاک خود در بغداد، کربلا، «عین التمر»، «رحالیه» و... را وقف نمود تا در آمد آن‌ها، صرف مسجد و مناره گردد و از آن پس تمام آن املاک، عنوان «موقوفات حسینی» به خود گرفتند.

او در مسجد جامعی که خود بنا کرده بود، معتکف شد و به امام حسین علیه السلام پناه برد. هنگامی که سلطان اویس از ماجرای غلام خود مرجان آگاه شد، او را فراخواند و تکریم و احترام کرد و از خطا و تقصیرش درگذشت و به سبب خدمات ارزنده‌ای که در سال ۷۶۷ قمری به حائر مقدس کرده بود، به فرمانداری عراق، گماشت.

## تعمیر و مرمت مناره عبد در سال ۹۸۲ قمری

با گذشت ۲۱۵ سال از احداث مناره عبد به دست امیر مرجان، این مناره به بازسازی و مرمت نمای بیرونی نیاز پیدا کرد؛ به همین سبب شاه طهماست، پسر شاه اسماعیل صفوی، در سال ۹۸۲ قمری، ضمن انجام اصلاحات و تعمیرات بنیادین در حائر مقدس و توسعه صحن مطهر از سمت شمال، به اصلاح و تعمیر این مناره نیز پرداخت. صاحب کتاب منظوم «مجالیه الطف» در توصیف و تشریح تعمیر و مرمت مناره عبد، توسط شاه طهماسب صفوی آورده است:

ثمّ تداعی ظاهر المنارة	للعبد واستدعی له عمارة
فمرّ کفّه لها طهماسب	وعسرت بما لها یناسب
وأرخت مابین عجم و عرب	«انگشت یار» تعنی «خنصر الاحب» <sup>۲</sup>



یعنی: سپس ظاهر مناره عبد، آسیب دید و با (زبان بی‌زبانی) خواستار بازسازی شد؛ لذا شاه طهماسب دست (جود و کرم) گشود و آن را به طور شایسته‌ای مرمت کرد و این واقعه در میان عجم و عرب تاریخ‌گذاری شد به «انگشت یار» یعنی «خنصر الأحب».

توضیح این که «انگشت یار» فارسی که معادل «خنصر الأحب» در عربی است، به حساب «ابجد»، ۹۸۲ می‌شود که سال هجری قمری بازسازی مناره عبد، به دست شاه طهماسب صفوی نیز هست.

لازم به یادآوری است که بعضی منابع تاریخی، از مرمت و نوسازی دوباره مناره عبد، در سال ۱۳۰۸ قمری به دست عثمانی‌ها خبر داده‌اند که به طور طبیعی درست و مورد گواهی عقل و منطق می‌باشد.

### ویرانی اثر باستانی مناره عبد و علت آن

این مناره تاریخی و استوار، حدود شش قرن، پابرجا بود و از زمان ساخت تا پایان عمر آن (۷۶۷-۱۳۵۴ق) از هر حادثه‌ای مصون ماند. ولی سرانجام تیشه فتنه بر پیکرش فرود آمد و از بیخ و بن، خراب و ویران گردید.

راستی چرا دومین اثر باستانی مقدس در کشور عراق ویران شد؟! انگیزه تخریب کنندگان از این اقدام ناجوانمردانه چه بود؟ آیا با تعمیر و نوسازی، مانند آثار باستانی دیگر، حفظ و نگهداری‌اش ممکن نبود؟ از زمان تخریب تاکنون، پاسخی به این پرسش‌ها داده نشده و اگرچه انحنای مناره، خطر سقوط و ایجاد مشکل برای حائر مقدس، علل تخریب اعلام شد، اما علت واقعی

این گلدسته تاریخی به سال ۷۶۷ هجری توسط امین‌الدین بن عبدالله الجایتو، ملقب به «مرجان» ساخته شد و بیش از شش قرن پابرجا بود. این مناره در اواخر سال ۱۳۵۴ هجری به دستور «یاسین هاشمی» رئیس دولت عراق و توسط «صالح جبر» ویران شد. توجیه دولت برای تخریب این مناره، کج شدن و خطر ویرانی آن بود! که به اذعان همگان، بهانه‌ای بیش نبود.

همچنان در پرده ابهام است و این اعتقاد که مناره عبد به دلیل دست اندازی به موقوفات ارزنده و فراوانش، دستخوش ویرانی و انهدام قرار گرفت را به واقعیت نزدیک می‌کند. در کتاب «دائرة المعارف الحسينية» درباره مناره عبد و ویرانی آن آمده است:

این گلدسته تاریخی به سال ۷۶۷ هجری توسط امین‌الدین بن عبدالله الجایتو، ملقب به «مرجان» ساخته شد و بیش از شش قرن پا برجا بود. این مناره در اواخر سال ۱۳۵۴ هجری به دستور «یاسین هاشمی» رئیس دولت عراق و توسط «صالح جبر» ویران شد. توجیه دولت برای تخریب این مناره، کج شدن و خطر ویرانی آن بود! که به اذعان همگان، بهانه‌ای بیش نبود. تخریب مناره، قلب بسیاری از علاقه‌مندان آستان حسینی را جریحه‌دار کرد و شعرای بسیاری درباره آن شعر سرودند. میرزا هادی خراسانی (۱۲۹۷-۱۳۶۸ق) درباره این فاجعه تاریخی، این ابیات را سرود:

در صحن سیدالشهدا بود برقرار  
 گلدسته‌ای چو شاخه طوبی بزرگوار  
 عقل حکیم از پی تاریخ آن بگفت:  
 «انگشت یار» سال بنایش به یادگار  
 دست جفا ز پای فکندش بدون وجه  
 بادا جزای هدم و اوامر، عذاب و نار<sup>۳</sup>



### منابع برای مطالعه بیشتر:

۱. کربلا و حرم‌های مطهر سلمان هادی آل طعمه، قم انتشارات شریف رضی، ۱۳۷۶ ش.
۲. معماری کربلا در گذر تاریخ، محمدعلی انصاری، قم انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۷۸ ش.
۳. تاریخ کربلا و حائر حسینی، دکتر عبدالجواد کلیدار، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۹ ش.
۴. دایرةالمعارف الحسينية، محمدصادق کرباسی، قم مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۵. تاریخ مرقد الحسین والعباس، سلمان هادی آل طعمه، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. عبدالجواد کلیدار، تاریخ کربلا و حائر حسینی، ۳۱۸.
۲. همان، ۳۲۰ به نقل از مجالی الطف، ۴۲.
۳. دائرة المعارف الحسينیه، ۲، ۱۱۳.